

فلسفه و ساحت سخن



غلامحسین ابراهیمی دینانی

سوره تان لکشتا

۲۷۹۵/۲۷۹۶: مقاله - ۲۶۶۲: فصلنامه فلسفه و ساحت سخن، زمستان ۱۳۹۰، شماره ۱، فصلنامه فلسفه و ساحت سخن، بهار ۱۳۹۱، شماره ۱، فصلنامه فلسفه و ساحت سخن، بهار ۱۳۹۲، شماره ۱

۶۵	فلسفه و اصول بنیادین سخن: ساحت و فلسفه
۸۱	گروه‌های فارسی یک دفتر فلسفه و ساحت سخن: ایران، روسیه و ترکیه
۱۵۵	هنر و حرکتگرایی در بنیادین سخن: بهار ۱۳۹۰، شماره ۱
۱۳۳	ساحت سخن: فصلنامه فلسفه و ساحت سخن، بهار ۱۳۹۱، شماره ۱
۱۶۷	فلسفه و ساحت سخن: فصلنامه فلسفه و ساحت سخن، بهار ۱۳۹۱، شماره ۱
۱۹۷	ساحت سخن: فصلنامه فلسفه و ساحت سخن، بهار ۱۳۹۱، شماره ۱
۲۱۹	ساحت سخن: فصلنامه فلسفه و ساحت سخن، بهار ۱۳۹۱، شماره ۱
۲۴۵	ساحت سخن: فصلنامه فلسفه و ساحت سخن، بهار ۱۳۹۱، شماره ۱
۲۷۱	ساحت سخن: فصلنامه فلسفه و ساحت سخن، بهار ۱۳۹۱، شماره ۱
۲۹۹	ساحت سخن: فصلنامه فلسفه و ساحت سخن، بهار ۱۳۹۱، شماره ۱
۳۲۷	ساحت سخن: فصلنامه فلسفه و ساحت سخن، بهار ۱۳۹۱، شماره ۱
۳۵۱	ساحت سخن: فصلنامه فلسفه و ساحت سخن، بهار ۱۳۹۱، شماره ۱
۳۷۹	ساحت سخن: فصلنامه فلسفه و ساحت سخن، بهار ۱۳۹۱، شماره ۱
۴۰۷	ساحت سخن: فصلنامه فلسفه و ساحت سخن، بهار ۱۳۹۱، شماره ۱
۴۳۱	ساحت سخن: فصلنامه فلسفه و ساحت سخن، بهار ۱۳۹۱، شماره ۱



فهرست

۱	مقدمه
۲۱	منطق و گفتار
۲۳	مقولات دهگانه و کلیات پنجگانه
۶۵	زبان زیرساخت و اصول بنیادین سخن
۸۹	کتاب الحروف فارابی یک دفتر فلسفی است یا یک نوشته نحوی؟
۱۱۵	نقش عقل و خردگرایی در پیدایش علم نحو
۱۴۳	نخستین مسئله نحوی و نقش آن در پیدایش فکر فلسفی
۱۶۷	زبان و زمان
۱۹۷	آیا مصدر اصل کلام است؟
۲۱۹	نخستین مسئله مورد اختلاف میان دو مکتب مهم نحوی
۲۴۵	واضعان الفاظ - واضعان شرایع
۲۷۱	معضل بزرگی به نام موضوع‌آله
۲۹۹	دو واژه علم و معرفت و تفاوت آنها با یکدیگر
۳۲۷	نسبت علم با معلوم خود همانند نسبت وجود با ماهیت است
۳۵۱	ممکن از آن جهت که ممکن است به حسب سرشت خود مجهول است
۳۷۹	زبان چیزی فراتر از صرف و نحو و مجموعه واژگان است
۴۰۷	اگر سخن نبود جهان هرگز آشکار نمی‌گشت
۴۳۱	نمایه

منطق و گفتار

فلسفه رشته‌ای از دانش و معرفت بشری است که هم از جهت موضوع و هم از جهت مسائل با منطق تفاوت دارد. منطق نیز به اعتبار موضوع و مسائل خود غیر از فلسفه است، ولی در این مسئله نمی‌توان تردید داشت که هیچ یک از نحله‌های فلسفی بدون اینکه به یک منطق متکی باشد از استحکام و اعتبار لازم برخوردار نخواهد بود، چنان‌که منطق نیز اگر فلسفه خاص خود را نداشته باشد تهی و بی‌بنیاد خواهد بود.

در اینجا باید یادآور شویم که هم فلسفه و هم منطق بدون ارتباط و توجه به قواعد صرفی و نحوی و دستوری یک زبان هرگز به منصهٔ بروز و ظهور نخواهد رسید. در بررسی امور معقول و مسائل منطقی مسئلهٔ ارتباط و ترکیب آنها با یکدیگر نقش بنیادی و تعیین‌کننده دارد و البته معلوم است که دست یافتن به چگونگی ارتباط و ترکیب امور معقول با یکدیگر اگر محال و ممتنع نباشد بسیار سخت و دشوار خواهد بود. در اینجا است که ترکیب و به هم پیوستن الفاظ و کلمات نقش خود را ایفا می‌کند و در عالم گفتار و جهان سخن به مثابهٔ ترکیب و به هم پیوسته شدن امور معقول شناخته می‌شوند.

به عبارت دیگر، می‌توان گفت دست یافتن و آگاه شدن به ترکیب و به هم پیوسته بودن امور معقول دستیابی و آگاهی به ترکیب و همبستگی الفاظ و کلمات خواهد بود. وقتی از یک گزاره و تصدیق سخن می‌گوییم و یک محمول را بر یک موضوع حمل می‌کنیم، در واقع از نوعی ارتباط و ترکیب میان امور معقول و مدرک سخن به میان می‌آوریم و به‌درستی نیز آگاهی داریم که بدون این الفاظ و کلمات که جلوهٔ مفاهیم و قالب مدرکات شناخته می‌شوند هرگز نمی‌توانیم به جهانی راه یابیم که ترکیب امور معقول در آن شکل می‌گیرد.